

## آزادی فلسطین از دست رژیم صهیونیست از نگاه روند تاریخی و قرآنی

راشد حسین

### چکیده

روند تاریخی و قرآنی نشان می‌دهد که ارتباط قوم یهود به سرزمین مقدس فلسطین، قدیمی و طولانی است، یهود از ابراهیم تا موسی و داوود (ع) و حتی پس از آن، به این سرزمین مقدس مرتبط بودند و خداوند آنها را به دلیل اطاعت از پیامبران خویش، از برکات و الطاف ویژه‌ای برخوردار کرده و به آنان عنایت خاصی داشته اما آنان به خاطر خودبرتربینی دست به افساد زدند و در نتیجه از عنایات خاص پروردگار دور گشتند و با مشکلات مواجه شدند، خداوند آنان را از فلسطین که وطنشان بود؛ خارج کرد، طبق بیان روند تاریخی و قرآنی این یک سنت الهی است که در قوم یهود اجرا می‌شود، هشدار خداوند چنین است، اگر یهود مجدداً دست به فساد بزنند خداوند باردیگر آنها را مجازات خواهد کرد و از سرزمین فلسطین آواره خواهد ساخت. بنابراین، نسل یهود- که در این زمان به صهیونیسم معروفند، و با پرچم تئودور هرتزل و با حمایت استکبار جهانی و حاکمان شاهنشاهی به جبر وارد سرزمین مقدس فلسطین شده اند و در صدد دستیابی به تمام مناطق فلسطین هستند و برای رسیدن به اهداف شوم خود به مردمان فلسطینی جنایت سنگینی را روا می‌دارند؛ باید منتظر انتقام جویی از جانب خداوند باشند. تعداد کافی از مفسران معتقدند که برخی از آیات قرآن نشان می‌دهد که هرگاه یهودیان دست به قتل و غارتگری بزنند از جانب خدا مورد عقاب قرار خواهند گرفت. وضعیت کنونی رژیم صهیونیست؛ شباهت زیادی به پیشینیان خود دارد از این رو جای تردید نیست که خداوند باردیگر از آنها انتقام بگیرد و آنان را از سرزمین فلسطین آواره سازد.

**واژگان کلیدی:** قرآن، تاریخ، یهود، صهیونیسم، فلسطین.



اولاد و نوادگان حضرت یعقوب پیامبر(ع) را یهودی می‌گویند. روند تاریخی و قرآنی پیوند قدیمی و طولانی قوم یهود و فلسطین را بیان می‌دارد، آیات زیادی از قرآن کریم به این قوم و برخورد آنها با پیامبران الهی از جمله موسی اختصاص دارد. طبق بیان تاریخ و تفسیر قرآن، حضرت موسی (ع) پس از هجرت از مصر و عبور از دریای سرخ یا دریای قُلزم، قوم یهود را به صحرای سینا و سرزمین موعود که فلسطین و کنعان است، روانه ساخت. و بعد ازان، به تدریج یهودیانی که وارث موسی و پیروان حضرت یعقوب (ع) بودند در فلسطین ساکن شدند و خداوند به یهودیان لطف کرد و حکومت را به آنها بازگرداند.

در آیات آغازین سوره مبارکه اسراء «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ»<sup>۱</sup> به سرنوشت و سیر تکامل تاریخ یهود اشاره شده است، قرآن می‌فرماید: ما به آنها پیامبران بزرگ و حکومتی مقتدر و سرزمین‌های پر برکت و سعادت بخشیدیم تا به خوبی زندگی کنند. و بر اساس تعالیم تورات و آموزه‌های پیامبران بنی اسرائیل زندگی کنند. اما یهودیان به تدریج راه تعالیم انبیا را رها کردند و به «کشتن پیامبران» پرداختند و به فساد، شورش، ترور، آزار و اذیت و فساد اقتصادی متوسل شدند<sup>۲</sup>، و خداوند آنان را دوباره مورد عقاب قرار داد و از سرزمین فلسطین اخراج نمود، در آیات اولیه سوره مبارکه اسراء به آن اشاره است<sup>۳</sup>.

از اینجا روشن می‌شود یهودیان تندرو ملتی بودند که در طول تاریخ بشریت مدام ملت‌ها و ارزش‌های دینی را زیر پا می‌گذاشتند و خداوند نیز مدام آنان را سرکوب نمود<sup>۴</sup>، در عصر حاضر نسل یهود از هفتاد و چند سال گذشته دوباره وارد صحنه شده، زمانی که «فلسطین» در دست انگلستان بود و عرب‌های مسیحی و مسلمان در آنجا زندگی می‌کردند، اینها بر اساس همان تصویری که یهودیان داشتند، یعنی بازگشت به سرزمین موعود، توطئه کردند نسل یهود را به سرزمین فلسطین بازگردانند. و به جای اعراب، آنها را استقرار دادند و بعد اتفاقاتی که از جانب نسل یهود افراطی و مفسد در پیروی از پیشینیان خود به رخ افتاد برای همه روشن است و متأسفانه جنایات آنها روز به روز اضافه تر می‌شود. حالا نوبت خدا می‌رسد که دوباره از اینها انتقام بگیرد که بزودی خواهد گرفت، در برخی از آیات قرآن از جمله آیات آغازین سوره اسراء به فساد و نابودی

۱- اسراء/۶

۲- مغنیه، جواد، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص: ۱۷-۱۸  
 ۳- می‌فرماید: «وَقَضَّيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَآئِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفُسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرْثَتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» یعنی ما در کتاب آسمانی در تورات به قوم یهود گفتیم: شما در دو دوره تاریخی فساد و کودتاهای عظیم انجام داده اید، اما به یاد داشته باشید که ما به عنوان مدیر جهان، صاحب این زمین و صاحب حقوق بشر، اگر با فساد و ظلم شما مواجه شدیم، از شما انتقام خواهیم گرفت.

۴- اسراء/۸ می‌فرماید: «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُمْ عُودًا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» یعنی امید است که پروردگارتان [در صورتی که توبه کنید] به شما رحم کند و اگر به طغیان و فساد برگردید، ما هم [به کیفر شدید و عذاب سخت] بازگردیم، و دوزخ را برای کافران، زندانی تنگ قرار دادیم.



قوم یهود در آینده اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

آنچه به عنوان سوال مطرح است این که روند تاریخی و قرآنی درباره قوم یهود و آزادی سرزمین فلسطین چگونه بوده است و این که آیا مثل گذشته - در مورد یهودیان زمان حاضر که به رژیم صهیونیست شهرت دارند و به اجبار به سرزمین و مسجد اقصی قابض شده اند و ساکنان آنجا را مورد ظلم و ستم قرار می دهند - سنت الهی بارد دیگر تکرار می شود و فلسطین از دست رژیم صهیونیست آزاد می شود و رژیم صهیونیست از سرزمین مقدس اخراج می شوند؟ نظریات مفسران قرآن در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

### سیر تاریخی قوم یهود و ارتباط آن با فلسطین

۱. **شجره نامه بنی اسرائیل:** نژاد سامی منسوب به سام بن نوح یکی از شاخه های بزرگ سفیدپوست اند. یکی از شاخه های آنها، بنی اسرائیل است که در آسیا و اروپا و غیره پراکنده است.<sup>۲</sup> قوم یهود خود را از نسل یعقوب می دانند و ایشان بوده که به اسرائیل ملقب بود.<sup>۳</sup> قوم یهود از اولاد دوازده گانه ی حضرت یعقوب نبی به وجود آمده اند.<sup>۴</sup>

۲. **هجرت بنی اسرائیل:** هنگام مهاجرت ابراهیم از حران به فلسطین<sup>۵</sup>، همسرش ساره پسری به نام اسحاق به دنیا آورد و پس از سالها اسحاق نیز صاحب دو پسر به نام های عیسو و «یعقوب» شد اما یعقوب از چهار همسر خود دوازده پسر داشت<sup>۶</sup> که یعقوب به یوسف عنایت خاصی داشت، زیرا او را دارای کمال بزرگ می دید.<sup>۷</sup> از قضا همین یوسف نیز پس از داستانی طولانی به وزارت مصر رسید و پس از آن بنی اسرائیل به مصر مهاجرت کردند و در آنجا ساکن شدند.<sup>۸</sup>

اما با آغاز دوران امپراتوری مصر، از آنجایی که «رامسس دوم» که فرعون نامیده می شد، مسند حکومت را به عهده گرفت، بنی اسرائیل با وضعیت دشواری مواجه شدند. و طبق وصیت یوسف پیوسته منتظر قیام موسی بودند.<sup>۹</sup>

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۳۵ تا ۳۳؛ قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۵، ص: ۲۳

۲- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، ص: ۱۱

۳- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، علل الشرایع، ص: ۴۳

۴- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، ص: ۲۸

۵- مددی، حجت الله، داعیه داران دین، ص: ۲۲

۶- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، ص ۳۸ و ۳۹

۷- مددی، حجت الله، داعیه داران دین، ص ۴۵

۸- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، صص ۷۷-۵۲

۹- مددی، حجت الله، داعیه داران دین، صص ۵۲ و ۵۳



۳. **از ولادت حضرت موسی تا خروج قوم یهود از مصر:** «موسی بن عمران» در سخت ترین شرایط بنی اسرائیل در زمان رامسس دوم<sup>۱</sup> به دنیا آمد. در دربار فرعون به بلوغ رسید و سپس به مدین نقل مکان کرد و در آنجا با یکی از دختران حضرت شعیب ازدواج کرد.<sup>۲</sup> پس از سالها اقامت در مدین، در راه بازگشت به مصر به پیامبری مبعوث شد.<sup>۳</sup>

در زمان سلطنت مرنپتاح (پسر رامسس دوم)، موسی به دربار او رفت و فرعون را به دین خدا دعوت کرد و از فرعون خواست که بنی اسرائیل را با خود به کنعان، سرزمین اجدادشان، ببرد. اما مرنپتا نپذیرفت<sup>۴</sup> و در نتیجه بنی اسرائیل شبانه مصر را به همراه «ناجی قوم یهود» که آیات قرآن تصحیح دارد از مصر به سرزمین موعود کوچ کردند.<sup>۵</sup>

۴. **تاریخ قوم یهود تا وفات حضرت موسی:** بنی اسرائیل پس از عبور از دریای سرخ در نزدیکی کوه سینا ساکن شدند.<sup>۶</sup> و پس از حدود یک سال به بعد به کنعان، سرزمین موعود رفتند. اما وقتی مردم از قدرت فلسطین مطلع شدند، ترسیدند. لذا از فرمان حضرت موسی سرپیچی کردند و از ورود به سرزمین موعود خودداری کردند. نتیجه این تنبلی و نافرمانی این بود که خداوند سرزمین موعود را بر این نسل از بنی اسرائیل حرام کرد و آنان را به مدت چهل سال به سرگردانی در اطراف فلسطین وادار کرد و سرانجام در سن ۱۲۰ سالگی موسی درگذشت.<sup>۷</sup>

۵. **ورود بنی اسرائیل به کنعان تا وفات یوشع نبی (ع):** پس از رحلت حضرت موسی، جانشین او «یوشع بن نون» رهبری مردم یهود را بر عهده گرفت و برنامه ریزی های لازم را برای آماده شدن برای جنگی بزرگ انجام داد. بنی اسرائیل توانستند از رود اردن عبور کنند و تمام شهرهایی را که قلعه های نظامی قوی نداشتند، تصرف کنند، اما سرزمین کنعان تحت کنترل آنها قرار نگرفت و سرانجام یوشع در سن صد و ده سالگی به سمت خدا بازگشت.<sup>۸</sup>

- ۱- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، ص ۳۶.
- ۲- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، صص ۹۴-۱۰۳.
- ۳- مددی، حجت الله، داعیه داران دین، ص ۶۴.
- ۴- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، صص ۱۱۹.
- ۵- مددی، حجت الله، داعیه داران دین، صص ۷۱-۷۳.
- ۶- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، صص ۱۴۵-۵۰.
- ۷- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، صص ۱۶۹-۱۷۷.
- ۸- مددی، حجت الله، داعیه داران دین، صص ۱۲۷-۱۱۳.





**۶. حکومت داودان:** پس از مرگ یوشع، قبایل بنی اسرائیل هیچ سازمان سیاسی و نظامی نداشتند و دائماً از گوشه و کنار فلسطین مورد حمله قرار می‌گرفتند<sup>۱</sup> سرانجام اسرائیلی‌ها متوجه شدند که در فلسطین امن نیستند و کاسه می‌تواند بماند. از میان سموئیل (مشهورترین و آخرین قاضی بنی اسرائیل) می‌خواست برای آنها پادشاهی انتخاب کند. سموئیل شخصی به نام «شائول» را از جانب خداوند به پادشاهی بنی اسرائیل برگزید که در قرآن نام او «طالوت» نامیده شده است.<sup>۲</sup>

**۷. حکومت داوود و سلیمان (ع):** پس از مرگ شائول، سموئیل سالخورده از جانب خداوند مأمور شد که داود را به عنوان پیامبر مردم، انتخاب نماید.<sup>۳</sup> داود شهر اورشلیم را به پایتختی برگزید. او در همان آغاز سلطنت خود ارتش ثابتی را تشکیل داد و امن آرامش داخلی و خارجی را برقرار کرد.<sup>۴</sup> سلیمان پیامبر پس از وفات پدر بزرگوارش داود، به خلافت رسید. در زمان سلطنت او جنگی رخ نداد، بلکه او با همسایگان خود پیمان صلح و عدم تعرض بست. در سال چهارم سلطنت خود معبدی برای بنی اسرائیل ساخت.<sup>۵</sup>

**۸. دوران انحطاط قوم یهود:** پس از مرگ سلیمان، پسرش رحبعام که فردی نالایق بود، به سلطنت بنی اسرائیل رسید و باعث ناراحتی قوم یهود شد. در نتیجه ده سبط «قبیله» شمال متحد شدند و کشور مستقلی به نام اسرائیل به ریاست فردی به نام «یربعام» در شمال فلسطین تشکیل دادند. و تنها دو سبط یهودا و بنیامین به رحبعام وفادار ماندند و پادشاهی خود را یهودا نامیدند و سرانجام به دلیل ضعف و فساد و تفرقه پی در پی به از جانب آشوریان و بابلیان اسارت و تبعید و سرگردانی مجازات شدند.<sup>۶</sup>

**۹. یهودیان در قرون وسطی:** در آغاز قرون وسطی، وضعیت یهودیان تحت تأثیر دو دین جدید، یکی مسیحیت و دیگری اسلام، تغییر کرد. اولی‌ها با یهودیان دشمن خونی بودند، اما مسلمانان در ابتدا با یهودیان خوب رفتار کردند و با آنها در فلسطین، سوریه و عراق راه مسالمت آمیز داشتند. یهودیان از آنجایی که مناسک دینی خود را در خفا انجام می‌دادند، در بین مردم این شبهه ایجاد کردند که علیه جان و مال مردم مرتکب می‌شوند. بنابراین همه با یهودیان دشمنی کردند و در پی هلاکت آنها شدند. در نتیجه یهودیان در همه جا پراکنده شدند.<sup>۷</sup>

۱- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، ۱۹۶-۱۹۵.

۲- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، ۲۱۳-۲۰۹.

۳- مددی، حجت الله، داعیه داران دین، ص ۱۵۷.

۴- علی، شاهمرادی، تاریخ یهود، صص ۲۲۲-۲۱۹.

۵- مددی، حجت الله، داعیه داران دین، صص ۱۹۵-۱۸۷.

۶- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود، صص ۲۳۸-۲۳۵.

۷- بایرناس، جان، تاریخ جامع ادیان، مترجم علی اصغر حکمت، صص ۵۶۶-۵۶۰.





۱۰. **یهودیان در عصر جدید و پس از آغاز جنبش صهیونیست:** در اروپای غربی و مرکزی، در طول قرون ۱۸ و ۱۹، شرایط اجتماعی یهودیان به تدریج به سمت استقلال پیش رفت و به تدریج در مراکز فرهنگی برجسته شخصیت‌های یهودی تأثیرگذار شدند.<sup>۱</sup> سرانجام پس از ظهور تئودور هرتزل و آغاز جنبش صهیونیسم، نیاز به ایجاد وطن برای یهودیان، مورد پذیرش سیاستمداران صهیونیست قرار می‌گیرد و در سال ۱۸۸۲ م مهاجرت یهودیان به فلسطین شروع شد و همچنان ادامه دارد.<sup>۲</sup>

۱۱. **اشغال فلسطین و مهاجرت مردم آن:** مقوله ساده‌ای که شالوده نگاه صهیونیسم به وضعیت کنونی را بیان می‌کند این است: «فلسطین، سرزمینی بدون ملت و یهودیان، ملتی بدون سرزمین». صهیونیست‌ها بر اساس اهداف مشخص برای استقرار سلطه جهانی به این نتیجه رسیده‌اند که دولت خود را در فلسطین تشکیل دهند. بنابراین آنها آمادگی لازم را برای انجام این عمل تجاوزکارانه فراهم کردند و در قتل عام کودکان، جوانان و سالمندان به کسی رحم نکردند و روز به روز اضافه‌تر می‌شود؛ اما جهان کمتر از رفتار غارتگرانه آنها آگاه است.<sup>۳</sup>

#### ارتباط قوم یهود با فلسطین از دید قرآن

قرآن کریم در مورد هیچ قومی به اندازه یهود و پیامبران آنها سخن نگفته است. در قرآن کریم، هم شاهد بر شأن و اقتدار این قوم و همچنین اعتقادات و اعمال گذشته‌ی آنان و هم گواه بر ذلت و خواری و ضلالت آنها هستیم، براساس آیات قرآن مریم ارتباط قوم یهود با فلسطین و مسجد اقصی ارتباط دیرینه‌ای است در مبحث آتی به آن، اشاره می‌شود:

#### ۱- تمایل یهودیان به بازگشت به فلسطین

قوم یهود که از آزار و اذیت شدید فراعنه در مصر به تنگ آمده بودند، همیشه می‌خواستند به فلسطین بازگردند. سرزمینی که نیاکانشان، یعنی یعقوب و فرزندانش، قبل از مهاجرت به مصر در آن زندگی می‌کردند. موسی (ع) با فراخوان بنی اسرائیل به استقامت و یاری گرفتن از خداوند در برابر ظلم فرعونیان، امید بازگشت و اقامت در سرزمین فلسطین و اورشلیم را به آنها داد چنانچه قرآن می‌فرماید:

«قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...»<sup>۴</sup>

۱- بایرناس، جان، تاریخ جامع ادیان، مترجم علی اصغر حکمت صص ۵۶۹-۵۶۸.

۲- سروش نژاد، احمد، صهیونیسم، ص ۱۰۸.

۳- جدید بناب، علی، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، ص: ۱۷۷

۴- اعراف/ ۱۲۸



## ۲- درخواست حضرت موسی برای جنگ با ارتش فلسطین

در سوره مائده آیه ۲۱ می فرماید: در سوره مائده می فرماید: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَزِدُوا عَلَىٰ أَذْبَارِكُمْ فَتَقْلِبُوا خَاسِرِينَ»

مفسران بر اساس این آیه می گویند: هنگامی که خداوند متعال بنی اسرائیل را از جنگال فرعون و فرعونیان رهایی بخشید و آنها از دریا گذشتند و فرعون و لشکرش غرق شدند و اموال و جواهراتشان نصیب اینها شد. به اینها دستور داده شد که به ارض مقدس اورشلیم و فلسطین و شامات و طورسینا بروید. و تعبیر به سرزمین مقدسه برای این است که جایگاه انبیا و صالحان و پرهیزکاران و مدفن آنان و مرکز وحی و فرشتگان بوده اما گاهی به خصوص «بیت المقدس» را ارض مقدس نیز می گویند. در روایات نیز به این موضوع اشاره شده است.<sup>۱</sup>

## ۳- دچار شدن بنی اسرائیل به کیفر الهی

یهودیان به بهانه ترس از قدرت لشکر فلسطین به دستورات و هشدارهای موسی (ع) مبنی بر ورود به شهر بی اعتنایی کردند و در نتیجه این نافرمانی یهودیان از سوی خداوند مجازات شدند، و به مدت ۴۰ سال از وارد شدن به سرزمین مقدس محروم و در دره تیه سرگردان شد.<sup>۲</sup> چنان که می فرماید: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»<sup>۳</sup>.

## ۴- فتح بیت المقدس بعد از ۴۰ سال

پس از ۴۰ سال قوم یهود به فرماندهی یوشع بن نون موفق به فتح بیت المقدس گشتند.<sup>۴</sup> مفسران آیه ۵۸ بقره را اشاره به این ورود تاریخی بنی اسرائیل می دانند: «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ وَسَيَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۵</sup> منظور از قریه در آیه شریفه فلسطین و شهر بیت المقدس است.<sup>۶</sup>

۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۲۷۶

۲- شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، ج ۳، ص: ۵۹-۶۰؛ طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۲۹۴-۲۹۵

۳- مائده/۲۶

۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص: ۱۷۴؛ محلی، محمد بن احمد، تفسیر الجلالین، ص: ۱۲

۵- بقره/۵۸

۶- طبرسی، فضل بن حسن، مختصر مجمع البیان، ج ۱، ص: ۴۵؛ شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، ج ۱، ص: ۱۰۵



## ۵- خوش فرجامی قوم یهود

در آیات دیگر پس از ذکر هلاکت فرعونیان آمده است که یهودیان در مقابل شکیبایی در برابر آزار و اذیت فرعونیان در سرزمینی پر از خیر و برکت زندگی کردند<sup>۱</sup> چنانکه می فرماید:

«وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ بِمَا صَبَرُوا...»<sup>۲</sup>

## ۶- برگشت قوم یهود به بیت المقدس «فلسطين»

در آیه یک سوره اسراء خداوند از معراج پیامبر اکرم (ص) یاد می کند: «شُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ...»<sup>۳</sup> منزّه و پاک است آن [خدایی] که شبی بنده اش [محمد صلی الله علیه و آله و سلم] را از مسجد الحرام به مسجد اقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد.»

اکثر مفسران شیعیان<sup>۴</sup> و مفسران اهل سنت<sup>۵</sup> «مسجد الاقصی» را مسجد بیت المقدس دانسته اند که در این صورت بی شک «التي بركنا حوله» ابتدا به شهر بیت المقدس و سپس به اطراف آن و فلسطین اشاره دارد که به خاطر وجود انبیا و اولیاء مبارک<sup>۶</sup> و به علت درختان و میوه ها پر برکت شده است.<sup>۷</sup>

در قرآن کریم در سوره اسراء خداوند معبد مقدس را مسجد نامید و آن را قرین مسجد الحرام اعلام کرد این قداست و پیشینه ی الهی نسبت به آن مکان را نشان می دهد. خداوند ابراهیم و لوط (ع) را از سرزمین مقدس به حجاز روانه می سازد و در آنجا بنیان کعبه را می گزارد و پیوندی مقدس بین این دو مکان ایجاد می کند.

۱- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص: ۱۴۹  
 ۲- اعراف/ ۱۳۷ «و به آن گروهی که همواره ناتوان و زبونشان شمرده بودند، نواحی شرقی و غربی آن سرزمین را که در آن [از جهت فراوانی نعمت، ارزانی و حاصل خیزی] برکت قرار داده بودیم، بخشیدیم؛ و وعده نیکوتر و زیباتر پروردگارت بر بنی اسرائیل به [پاداش] صبری که [بر سختی ها و بلاها] کردند تحقق یافت.»  
 ۳- اسراء/ ۱

۴- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۶۱۱؛ رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص: ۱۲۹؛ فتح الله کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۵، ص: ۲۳۵؛ طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص: ۶  
 ۵- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص: ۵؛ ابن جوزی، ابوالفرج جمال الدین محمد، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۳، ص: ۸؛ ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی، ج ۳، ص: ۴۵۰؛ بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۳، ص: ۲۴۷

۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۶۱۱؛  
 ۷- مکرام شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۲۵؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۶۱۱؛ زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص: ۶۴۸؛ فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۲۰، ص: ۲۹۲



قرآن و تاریخ شاهد بر آن است که یک روز ابراهیم (ع) از قدس به حجاز می‌رود و روزی پیامبر اکرم (ص) از مسجد الحرام به مسجد الاقصی می‌رود.<sup>۱</sup>

این مسیر متناوب ابوالانبیاء حضرت ابراهیم (ع) و آخرین پیامبر حضرت محمد (ص) تدبیر و ابتکار الهی است که تنها بر اساس اراده ذات اقدس او صورت گرفته است، زیرا خداوند آن را به خود نسبت داده است و می‌فرماید: «وَنَجِّنُهُ وَ لَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup> و او [ابراهیم] و لوط را [از آن سرزمین پر از شرک و فساد] نجات داده و به سوی سرزمینی که در آن برای جهانیان برکت نهاده‌ایم، بردیم. «

پس معلوم می‌شود که این دو مکان ارتباط نزدیکی با هم دارند و دارای یک روح دارند. و مسلمانان نباید اجازه دهند غاصبان صهیونیستی این وحدت را از به هم پیاشند و قداست بخشی از این سرزمین مبارک را از بین ببرند و حرمت الهی را با مقدسات مصنوعی و انسانی مانند وجود معبد یهود خدشه دار کنند.

باتوجه به مکی و مدنی بودن سوره‌ها می‌توان گفت: سوره اسراء مکی است و زمانی بر پیامبر (ص) نازل شد که کعبه هنوز در دست مشرکان بود. و پیامبر (ص) و برخی از پیروانش تحت تعقیب آنها قرار می‌گرفتند و بیت المقدس پیش آنها اهمیتی نداشت. خدای تعالی نام این دو مکان را مسجد گذاشته و در این شرایط حاکمیت مؤمنان را در این دو مکان اعلام کرد.

مسلمانان با پیروزی بر قریش، کعبه را از بت پرستی پاکسازی کردند و آن را مسجد خدا کردند و در زمان خلیفه دوم، مسلمانان قدس را اشغال کردند و معبد قدس به اسم قرآنی مسجد الاقصی نامگذاری شد. خداوند در آیه چهارم سوره اسراء به یهودیان می‌گوید: «وَقَصَّيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا»<sup>۳</sup> ما در تورات به بنی اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد می‌کنید و [در برابر طاعت خدا] به سرکشی و طغیان [و نسبت به مردم به برتری جویی و ستمی] بزرگ دچار می‌شوید. «

### دو فساد بزرگ یهودیان و انتقام جویی از آنان

آیات آغازین سوره اسراء<sup>۴</sup>، دو انحراف اجتماعی بنی اسرائیل را ذکر می‌کند که منجر به فساد و برتری جویی آنها می‌شود و پس از هر یک از این دو انحراف، خداوند با مردانی نیرومند و جنگجو بر آنان چیره شد تا آنان را به سختی عذاب دهد.

۱- «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا»

۲- انبیاء/۷۱

۳- اسراء/۴

۴- ۷ تا ۱۷ آیه از سوره اسراء



اگرچه تاریخ یهود پر از داستان‌ها و دارای فراز و نشیب‌های فراوان و پیروزی‌ها و شکست‌های بسیار است، اما در میان مفسران بحث‌های فراوانی وجود دارد که قرآن به کدام یک از این وقایع اشاره می‌کند.

اولین کسی که به یهودیان حمله کرد و اورشلیم را ویران کرد، بخت النصر، پادشاه بابل بود و بیت المقدس هفتاد سال به همین منوال ماند تا اینکه یهودیان برخاستند و آن را بازسازی کردند. قیصر روم، اسپیانوس، که وزیر خود «طرطوز» را مأمور کرد، و او قول نابودی بیت المقدس و تضعیف و کشتار بنی اسرائیل را داد و این در حدود صد سال قبل از میلاد مسیح بود.<sup>۱</sup>

در تفسیر دیگری از طبری روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مقصود از فتنه اول، کشته شدن حضرت زکریا و گروهی دیگر از پیامبران است. و منظور از وعده نخستین، وعده انتقام الهی از بنی اسرائیل به وسیله "بخت النصر" است و تعدی و فساد دوم به معنای شورش است که بعد از "آزادی به وسیله یکی از سلاطین فارس" مرتکب شدند و مراد از وعده دوم هجوم "انطیاخوس" پادشاه روم است.<sup>۲</sup> برخی در بیان این مطلب می‌گویند: این تفسیر تا حدودی با تفسیر اول منطبق است، اما راوی این حدیث قابل اعتماد نیست و تاریخ «زکریا» و این که تاریخ یحیی با تاریخ «بخت النصر» و «اسپیانوس» یا «انطیاخوس» مطابقت دارد محرز نیست.<sup>۳</sup>

در مقایسه با تفاسیر فوق و سایر تفاسیر دیگری که کم و بیش با آنها سازگار است، تفسیر دیگری از سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن است؛ که با آنچه گفته شد کاملاً متفاوت است و آن اینکه: این دو واقعه تاریخی در گذشته و در زمان نزول قرآن اتفاق نیفتاده است، بلکه مربوط به آینده است که احتمالاً یکی از آنها فساد آنها در آغاز اسلام بوده که به ظهور مسلمانان منجر شد، و به دستور پیامبر آنها را به طور کامل از شبه جزیره عربستان اخراج نمودند، و دیگری مربوط به قیام نازی‌های آلمان به رهبری هیتلر علیه یهودیان بود.<sup>۴</sup>

ولی آنچه می‌توان به عنوان اشکال به این تفسیر وارد کرد این است که در هیچ‌یک از آنها داخل شدن قوم پیروزمند در بیت المقدس تا چه رسد به ویران کردن آن، موجود نیست.<sup>۵</sup>

### تفسیری امیدبخش

اما برخی احتمال دیگری را نیز مطرح کرده اند که این دو رویداد مربوط به حوادث پس از جنگ جهانی

- ۱- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص: ۴۴
- ۲- رک: طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص: ۱۷
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۲۸-۲۹
- ۴- سید قطب، قطب ابن ابراهیم، تفسیر فی ظلال جلد ۵ صفحه ۳۰۸.
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۳۰





دوم و تأسیس حزبی به نام «صهیونیسم» و تأسیس حکومتی به نام «اسرائیل» در قلب کشورهای اسلامی است. فساد اول قوم یهود برتری طلبی و برتری جویی آنها است و مراد از اولین انتقام جویی خدا از یهودیان این است که وقتی ممالک اسلامی از این توطئه مطلع شدند، دست به دست هم دادند و برخی شهرها و قصبه‌های فلسطین و بیت المقدس را آزاد کردند. و نفوذ یهودیان به کلی از دست قصابات فلسطین و مسجد الاقصی قطع شد.

و منظور از فساد و لغزش دوم هجوم اشغالگری یهودیان با حمایت نیروهای استعمارگر جهانخوار به سرزمین‌های اسلامی و بیت المقدس و مسجد الاقصی و حمله بر آن است. به این حساب باید منتظر پیروزی دوم بر بنی اسرائیل برای خارج کردن مسجد الاقصی از چنگال آنها و حذف کامل نفوذ آنان از این سرزمین اسلامی باشیم، و این همان چیزی است که مسلمانان در سراسر جهان در انتظار آن هستند و این وعده خداست نسبت به پیروزی مسلمانان.<sup>۱</sup>

البته در این معنا باید فعلهای ماضی که در آیه ذکر شده است همه به معنی مضارع باشد، و البته این معنی در جایی که فعل بعد از حروف شرط واقع می‌شود از نظر ادبیات عرب بعید نیست.<sup>۲</sup>

ولی ظاهر آیه «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» آن است که حد اقل فساد اول بنی اسرائیل و انتقام آن در گذشته واقع شده است.

و باتوجه اینکه غلبه کنندگان بر قوم یهود و بیت مقدس صاحبان ایمانند، بعضی از نظرات تفسیری درست نمی‌باشد چون در آنها از کسانی نبودند که قرآن آنها را به تعبیر "بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ" یاد کند. از این رو باتوجه به نادیده گرفتن بعضی از اشکالات سطحی از مطالب آیات مورد بحث می‌توان گفت: اگر قرینه قاطعی قائم نشود از ظاهر آیات بر می‌آید که جمعیت انتقام گیرنده مردمی با ایمانند.<sup>۳</sup>

بارها یهودیان شکست سخت، پراکندگی و بدبختی را متحمل شدند زیرا در این سرزمین شورش کردند. در این زمان، گروهی از یهودیان، «صهیونیست‌ها» تلاش کرده‌اند تا سرزمین‌های دیگران را تصرف کنند، آنها را از وطن خود آواره کنند و فرزندانشان را به قتل برسانند و حتی خانه خدا را ویران کنند و احترام خانه خدا را نیز مراعات نکنند.

آنها در برخورد با مسائل جهانی، عملاً نشان داده اند که تابع هیچ قانون و معیاری نیستند، هرگاه یک مبارز فلسطینی به سمت آنها تیراندازی می‌کند، در عوض به اردوگاه‌ها، مهدکودک‌ها و بیمارستان‌های آنها

۱- از مجله مکتب اسلام شماره ۱۲ و یک سال ۱۳ از بحث تفسیری آقای ابراهیم انصاری به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۳۰

۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۳۱

۳- همان، ج ۱۲، ص: ۳۲





تیراندازی می‌کنند و از طرف دیگر در مقابل کشته شدن یک نفر یهودی، گاهی صدها نفر از آنها مردم بی‌گناه را می‌کشند و خانه‌های زیادی را منفجر می‌کنند!

آنها به هیچ قطعنامه مجامع بین المللی پایبند نیستند و آشکارا همه آنها را نقض می‌کنند. بدون شك اینهمه قانون شکنی و بیدادگری و اعمال ضد انسانی به خاطر آنست که به قدرت جهانخواهی همچون "آمریکا" متکی هستند، اما نمی‌توان شک کرد که این مردم و جمعیت، خود مصداق کامل جنایت فساد در زمین، برتری جویی و استکبار و غفلت از همه مشکلات بشری از نظر اخلاقی و فکری است از این رو باید منتظر بود که بازهم "عباداً لنا اُولی بَاسٍ شَدِیدٌ" بر آنها چیره شوند و وعده قطعی خدا را درباره آنها عملی سازند.<sup>۱</sup>

گرچه برخی تفاسیر در دو نوبت، استکبار و فساد یهودیان و سرکوب آنان را به مردمی در گذشته‌های دور یا نزدیک نسبت می‌دهند و مسجدالاقصی در طول هزاره‌ها، حوادث و خاطرات تلخ بسیاری را به خود دیده است، ولی شاید آیات و با توجه به روایات باید منتظر تجاوزات و استکبار اسرائیل در آینده و طرد آنها توسط بندگان صالح خدا باشیم. چنانکه از ظاهر آیه‌ی ۵ و ۶ از سوره اسراء<sup>۲</sup> بر می‌آید، که هنوز چنین فساد گسترده‌ای در زمین از طرف بنی اسرائیل و چنین قلع و قمع مهمی توسط مردان خدا انجام نشده است.<sup>۳</sup>

باتوجه به آیه ۸ اسراء «وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا»<sup>۴</sup> می‌توان نتیجه گرفت: انتقام گرفتن از خداوند یک سنت موجود جاری و ساری است، پس هرگاه نافرمانی، ظلم، کشتار و غارتگری از سوی یهود و اولادشان باشد، خداوند بندگانی را بر آنان چیره خواهد کرد. چنانکه در آیه ۱۵ اسراء می‌فرماید: «... بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا اُولی بَاسٍ شَدِیدٌ فَجَاسُوا خُلُلَ الدِّیَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا؛ بندگان سخت پیکارگر و نیرومند خود را بر ضد شما برانگیزیم، آنان [برای کشتن، اسیر کردن و ربودن ثروت و اموالتان] لایه‌های خانه‌ها را [به طور کامل و با دقت] جستجو می‌کنند؛ و یقیناً این وعده‌ای انجام شدنی است.»



#### ۱- همان

۲- «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا\* إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ إِنْ أَسَاءْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسْوَا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبَرُوا مَا عَلَوُا تَتْبِيرًا»

۳- آقای قرآنی می‌گوید: ما امروز، از يك سو شاهد تجاوز گسترده‌ی اسرائیل و نقشه‌ی تصرف از نیل تا فرات و اخراج مسلمانان از وطن خود و ایجاد شبکه‌های جاسوسی در جهان و بدست گرفتن بوق‌های تبلیغاتی و گردآوری نیروهای خود از شریق و غرب و انواع کارهای فسادانگیز هستیم و از سوی دیگر شاهد انقلاب اسلامی و پیدا شدن جوانان حزب‌اللهی در فلسطین و هجوم به اسرائیل و پس گرفتن مسجدالاقصی هستیم که شاید آیه اشاره به این موارد باشد. والله العالم. (تفسیر نور، ج ۵، ص: ۲۳ در پاورقی)

۴- «و اگر به طغیان و فساد برگردید، ما هم [به کیفر شدید و عذاب سخت] بازگردیم»



چنانچه آقای مراغی در تفسیر این آیه می نویسد:

«به طور کلی، شناخت افرادی که بر آنها غلبه پیدا کردند، و نام و تواریخ آنها هدف بزرگی نیست، بلکه هدف اصلی آیه این است هر زمانی که گناهان قوم یهود بیشتر شود، خداوند آنها را مجازات خواهد کرد مردم و در هر مرتبه از آنها انتقام خواهد گرفت».<sup>۱</sup>

بعضی صریحا به این مطلب اشاره کرده اند می نویسند: «عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُزَحِّمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا» یعنی زنجیر عزت و ذلت ادامه خواهد داشت و هرگاه علتی را ایجاد کردند، معلول و اثر آن خواهد بود، به عبارت دیگر: امکان دارد خداوند پس از انتقام گرفتن دوباره به شما رحمت کند، اما اگر به طغیان برگردید، خداوند نیز به انتقام ازگشت خواهد گشت. از «وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا» فهمیده می شود که یهود و رژیم اشغالگر قدس به زودی منقرض خواهد شد زیرا که طغیان و تجاوز آنها از حد گذشته است.<sup>۲</sup>

یا مؤلف تفسیرمهر می نویسد:

در آیه ۸ سوره اسراء به یهودیان به شدت هشدار داده شده است که سرکوب یاغیان بنی اسرائیل تنها به دو مورد در طول تاریخ محدود نمی شود، بلکه هرگاه سرکش و بدکار باشند، دوباره خداوند آنها را مجازات خواهد کرد. بنابراین، اگر صهیونیست ها اکنون با ایجاد حکومت ظالم اسرائیل، دست به شرارت و خونریزی می زنند، بدانند که انتقام خداوند در راه است و به زودی توسط جوانان مسلمان درهم کوبیده خواهند شد.<sup>۳</sup> برخی به تفسیر آیه مورد بحث معتقدند: آنچه در آیه پایانی مهم است این است که این وضعیت به صورت یک سنت الهی همیشه وجود دارد و هرگاه بنی اسرائیل بد رفتاری کنند، خداوند آنها را به توسط گروهی مجازات خواهد کرد. چون می فرماید: «و ان عدتم عدنا» اگر اکنون یهودیان و دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین فساد و قتل و جنایت کرده اند، بنابر این وعده الهی، باید منتظر انتقام سختگیرانه خدا باشند.<sup>۴</sup>

تفسیرالکاشف ابتدا دو تفسیر از دو گروه مطرح می کند یکی از آن، بیانگراین است که آیات آغازین سوره اسراء اختصاص به یهودیان همان دوازده سبط از نسل یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم می باشد، و هیچ ارتباطی به اسرائیل فعلی ندارد.<sup>۵</sup> و دیگری نشان می دهد که:

۱- مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، ج ۱۵، ص: ۱۵

۲- قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ج ۶، ص: ۳۴

۳- رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۲، ص: ۳۹

۴- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، ج ۶، ص: ۲۶۱؛ الالاس فی التفسیر، ج ۶، ص: ۳۰۴۱

۵- مغنیه، جواد، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص: ۲۰



نخستین ضربه قوم یهود به وسیله مسلمانان در دوران عمر بن خطاب وارد شد؛ زیرا او قدس را فتح کرد و به همراه مسلمانان، به جستجوی خانه‌های فلسطینی پرداخت. ایشان می‌نویسد: همچنین، این گروه دومین مفسده بنی اسرائیل را به جنایتی تفسیر می‌کند که صهیونیست‌ها در ژوئن ۱۹۶۷م انجام دادند و نیز جنایتی که هم‌اکنون انجام می‌دهند. این گروه، دومین ضربه را چنین تفسیر می‌کند:

خداوند به زودی عرب‌ها و مسلمانان را بر صهیونیست‌ها مسلط می‌کند و آنان سرزمینی را که صهیونیست‌ها با حمایت استعمار غصب کردند، از آنها پس می‌گیرند.<sup>۱</sup>

این گروه می‌افزاید: مقصود سخن خداوند: «وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ؛ باید وارد مسجد شوند، چنان‌که نخستین بار وارد آن شدند» نیز همین معناست، یعنی اعراب و مسلمانان مسجد اقصی را در آینده از چنگال اسرائیل فعلی آزاد می‌کنند، همان‌گونه که مسلمانان از پیش آن را آزاد کرده بودند.

از دیدگاه جواد مغنیه تفسیر گروه دوم، جز احساسات و پیشگویی‌هایی که قرآن از آن به دور است، هیچ دلیل و مدرکی ندارد؛ زیرا قرآن کتاب دانش و نور از سوی خداوند است که قوانین و سنت‌های جهان هستی را بر ملا می‌کند، سنت‌هایی که قابل دگرگونی و تبدیل نیست.<sup>۲</sup>

اشکال بر نظریه تفسیرالکاشف همین است که دقیقاً سنت الهی تغییر نمی‌کند از این رو «وَإِنْ عُدْتُمْ عَدُنَا» نشانه بر آن است که در هر زمانی که یهود دست به قتل و غارتگری بزنند ضربه‌ای از سوی خدا به آنها برسد، در زمان حاضر نسل یهود دست به جنایتی زده است شاید پیش از چنان نکرده باشد، لذا باید منتظر انتقام از سوی خدا توسط بندگان شجاع باشیم.

چنانچه با وجود این حال شهید مغنیه می‌گوید: معنای آیه «... وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ...»<sup>۳</sup> تا شما را به مسجد [اقصی] درآیند، آن گونه که بار اول درآمدند. «ما را به سمت سهل انگاری و کنار گذاشتن نبرد، ماباید آماده باشیم خداوند هرگز، جنگ با اسرائیل و استعمار و صهیونیسم را از دوش ما بر نمی‌دارد.<sup>۴</sup>

از میان روایات متعددی که در تفاسیر ذیل این آیه آمده است، برخی معتقدند که نابودی یهودیان متجاوز قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) به دست انقلابیون مؤمنی که با شمشیر از مرز شهادت عبور کردند. و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) خواهند شد. و برخی معتقدند در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که ستمگران و متجاوزان یهود نابود خواهند شد.<sup>۵</sup>

۱- همان، ص: ۱۹

۲- همان، ص: ۱۹-۲۰

۳- اسراء/۷

۴- رک: مغنیه، جواد، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص: ۲۱

۵- قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۵، ص: ۲۳؛ حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص: ۱۳۸



## نتیجه‌گیری:

در نتیجه باید گفت: روند تاریخی و قرآنی شاهد بر آن است که مسئله فلسطین و قوم یهود مسئله‌ای تازگی نیست بلکه ارتباط قوم یهود با فلسطین و بیت مقدس از زمان قدیم است، تاریخ و قرآن بیانگر است که خداوند به قوم یهود عنایت خوبی داشته و به خاطر پیروی از پیامبران زمان خود و امتثال امور خداوند، مشمول الطاف الهی بوده است، اما همین که از عمل به تعلیمات انبیاء بیرون رفتند و دست به فساد و خونریزی زدند، خداوند آنها را ذلیل و خوار کرد و از وطنشان که سرزمینی پُربرکتی بوده است آواره ساخت. براساس آیه قرآن «وَإِنْ عُدْتُمْ عَدُنَا...»<sup>۱</sup> این یک سنت الهی است که مردم هرگاه دست به خونریزی و فساد بزنند تنبیه خواهند شد، نسل یهود که پیش از اسلام بوده نسبت به فرامین خدا سرپیچی کرد و دست به فساد و خونریزی زد حتی پیامبران‌شان را کشتند؛ خداوند آنها را مورد عقاب قرار داد و آنها را از وطنشان یعنی از فلسطین آواره ساخت. بربناء نظریه‌های تعداد کافی از مفسران قرآن، این وعید خدا منحصر به یهودیانی نیست که از دوازده سبط از نسل یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بودند؛ بلکه در عصر حاضر نیز نسل یهود اگر دست به فساد و خونریزی زند؛ خداوند از آنان انتقام خواهد گرفت. طبق بیانات مفسران بزرگوار، یهودیان این زمان - که به صهیونیسم شهرت دارند -؛ یک بار دیگر از مدت طولانی دست به ظلم و ستم در نقاط مختلف جهان به ویژه در سرزمین فلسطین زده اند و روز به روز به ظلم و جبرشان بر مردم بیچاره ی فلسطین اضافه شده است، بار دیگر خداوند توسط بندگان شجاع و مومن از رژیم صهیونیست انتقام خواهد گرفت و آنان را از فلسطین و اطراف بیت مقدس آواره خواهد کرد این یک سنت جاری خداوند در هر زمان است.



## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، علل الشرائع، قم، انتشارات داوری، بی تا.
- ۲- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان- بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ه. ق
- ۳- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ایران- مشهد مقدس، چاپ: ۱، ۱۴۰۸ ه. ق
- ۴- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، دار الکتب العربی، لبنان- بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۲ ه. ق
- ۵- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، دار إحياء التراث العربی، لبنان- بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ ه. ق
- ۶- بایرناس، جان، تاریخ جامع ادیان، مترجم علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ ه. ش
- ۷- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، لبنان- بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ ه. ق
- ۸- جدید بناب، علی، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه. ش
- ۹- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، مؤسسه انتشارات هجرت، ایران- قم، چاپ: ۱، ۱۳۷۶ ه. ش
- ۱۰- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، ایران- قم، چاپ: ۴، ۱۴۱۵ ه. ق
- ۱۱- حوی، سعید، الأساس فی التفسیر، دار السلام، مصر- قاهره، چاپ: ۶، ۱۴۲۴ ه. ق
- ۱۲- رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ایران- قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۷ ه. ش
- ۱۳- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دار الکتب العربی، لبنان- بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۰۷ ه. ق
- ۱۴- سروش نژاد، احمد، صهیونیسم: نوزایی- استقرار- فروپاشی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵ ه. ش
- ۱۵- شاهمرادی، علی، تاریخ یهود (از آغاز تا تجزیه ی امپراطوری سلیمان (ع))، زنجان، نیکان کتاب، ۱۳۸۳ ه. ش
- ۱۶- شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، میقات، ایران- تهران، چاپ: ۱، ۱۳۶۳ ه. ش
- ۱۷- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، فرهنگ اسلامی، ایران- قم، چاپ: ۲، ۱۴۰۶ ه. ق
- ۱۸- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، لبنان- بیروت، چاپ: ۲، ۱۳۹۰ ه. ق
- ۱۹- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: اسلام، ایران- تهران، چاپ: ۲، ۱۳۶۹ ه. ش
- ۲۰- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، لبنان- بیروت، چاپ: ۱، بی تا
- ۲۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، ایران- تهران، چاپ: ۳، ۱۳۷۲ ه. ش
- ۲۲- .....، مختصر مجمع البیان، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ایران- قم، چاپ: ۲، ۱۴۱۳ ه. ق
- ۲۳- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، لبنان- بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۲ ه. ق



- ۲۴- فخر رازی، محمد بن عمر التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، لبنان- بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۲۰ ه. ق
- ۲۵- فضل الله، محمد حسین، ومن وحی القرآن، دار الملائک، لبنان- بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ه. ق
- ۲۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ایران- تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه. ش
- ۲۷- قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ایران- تهران، نوبت چاپ: ۲، ۱۳۷۵ ه. ش
- ۲۸- قطب، سید، فی ظلال القرآن، دار الشروق، لبنان- بیروت، چاپ: ۳۵، ۱۴۲۵ ه. ق
- ۲۹- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی اسلامیة، ایران- تهران، چاپ: ۱، بی تا
- ۳۰- مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، دار الکتاب الإسلامی، ایران- قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ ه. ق
- ۳۱- مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، دار الفکر، لبنان- بیروت، چاپ: ۱، بی تا
- ۳۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، ایران- تهران، نوبت دهم، ۱۳۷۱ ه. ش
- ۳۳- مددی، حجت الله، داعیه داران دین (بررسی تحلیلی تاریخ دین یهود)، قم، نقش، ۱۳۸۶ ه. ش
- ۳۴- محلی، محمد بن احمد، تفسیر الجلالین، مؤسسة النور للمطبوعات، لبنان- بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۶ ه. ق